

شناسایی تهدیدات امنیتی منطقه غرب آسیا
در سیاست‌گذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران
محمد هاشمی ماد؛ محمدحسن الهی منش؛ علیرضا امینی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۶

چکیده:

سیاست‌گذاری امنیتی، با توجه به تهدیدات منطقه‌ای نقش مهمی در جهت‌دهی به فعالیت‌های کشور دارد. هدف این پژوهش شناخت تهدیدات امنیتی منطقه غرب آسیا در دهه ۱۳۹۰ شمسی است. چه تهدیداتی از سوی منطقه غرب آسیا متوجه امنیت جمهوری اسلامی ایران است؟ فرض مقاله بر این استوار است که تهدیدات امنیتی غرب آسیا تلفیقی از تهدیدات نشأت گرفته از سه بخش محیط داخلی کشور، تهدیدات منطقه‌ای و خصومت ایالات متحده با ایران است. در این پژوهش از روش کیفی مبتنی بر تحقیق کتابخانه‌ای بر اساس نظریه «مجموعه امنیتی منطقه‌ای «باری بوزان» جهت شناسایی تهدیدات امنیتی منطقه غرب آسیا برای جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۳۹۰ بهره گرفته شده است. با گردآوری مطالب، از طریق فیش برداری از کتب، مقالات داخلی و خارجی و سایت‌های معتبر به تحلیل توصیفی از این تهدیدات در سه دسته بندی مجزا بر اساس ابعاد سیاسی- امنیتی، اقتصادی و اجتماعی مبادرت گردیده است. نتیجه این که امنیت کشور به طرز پیچیده‌ای به نحوه نقش آفرینی ایران در منطقه مذکور بر اساس شناخت دقیق تهدیدات و رفتار عقلانی وابسته است.

واژگان اصلی: سیاست‌گذاری امنیتی، تهدیدات منطقه‌ای، منطقه غرب آسیا، دهه ۱۳۹۰ شمسی.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول) mhelahimanes50@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

مقدمه

تحقق امنیت ملی با ثبات از هدف‌های کلان دولت‌ها بوده و بر اساس دو نگرش سلبی و ایجابی، می‌توان بیان داشت که نگرش سلبی که به شناخت تهدیدهای امنیتی تاکید دارد، و بیشتر نظر سیاست‌گذاران این حوزه را به خود جلب می‌کند، اما نگرش ایجابی در این حوزه علی‌رغم اهمیت دو چندان، بیشتر جنبه تئوریک و مطالعاتی دارد.

طبق گفتمان سلبی، امنیت عبارت است از وضعیتی که منافع حیاتی بازیگر از سوی بازیگران دیگر در معرض تهدید نباشد یا در صورت وجود تهدید احتمالی، بازیگر توان دفع و مدیریت آن را با هدف صیانت از منافع خود داشته باشد. بر اساس گفتمان ایجابی، امنیت وضعیتی است مبتنی بر وجود نوعی رابطه معقول و متناسب بین خواسته‌های بازیگران با داشته‌های ایشان درون یک واحد سیاسی که در نهایت تولید رضایتمندی نزد بازیگران می‌کند. (رضوی نژاد، رزاقی، ۱۰۵:۱۳۹۷)

از سویی دیگر، مطالعات امنیت ملی را می‌توان در دو رویکرد سنتی و نوین دنبال کرد. رویکرد سنتی تقریباً هم‌ارز مطالعات راهبردی در کشورهای غربی است و جنبه نظامی دارد، اما رویکرد نوین دیدی کلان‌نگر به جوانب مختلف امنیت ملی دارد و به‌نظر می‌رسد دنیای پیچیده کنونی، بیش از هر زمان دیگر، به این نوع نگاه جامع نیاز دارد. در حالی سال‌های پایانی دهه چهارم انقلاب اسلامی طی می‌شود که دنیای پیرامونی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران آکنده از آشوب‌ها و بحران‌های مختلف است و آینده‌پژوهان حوزه امنیت نیز درباره وخیم‌تر شدن اوضاع هشدار می‌دهند. با اینکه در طول نزدیک به چهل سال گذشته، سیاست‌گذاران و مدیران امنیت ملی کشور توانسته‌اند از سد بحران‌های مختلف بگذرند و کشور را به کشتی ثباتی در منطقه ناآرام و متشنج خاورمیانه بدل کنند، باید توجه ویژه‌ای به تهدیدات پیرامونی کشور داشت و با برنامه‌ای دقیق، آمادگی‌های لازم برای مقابله با آن‌ها را کسب نمود (بختیاری، صالح‌نیا، ۱۳۹۷:۲۵۶).

هدف پژوهش

این پژوهش در نظر دارد تا با نگرشی جامع‌تر به شناخت و شناساندن تهدیدات امنیتی متوجه جمهوری اسلامی در دهه ۱۳۹۰ پردازد و این عوامل بالقوه را به تفکیک و مجزا در سه بعد سیاسی-امنیتی، اقتصادی و اجتماعی مشخص نماید، تا سیاستگذاران امنیتی به شناختی بهتر از این تهدیدات دست یابند.

روش شناسی

این مقاله با بهره گیری از روش کیفی مبتنی بر تحقیق کتابخانه ای بر اساس نظریه «مجموعه امنیتی منطقه ای» مطروحه توسط «باری بوزان» به بررسی تهدیدات امنیتی متوجه جمهوری اسلامی ایران از سوی منطقه غرب آسیا در دهه ۱۳۹۰ پرداخته است. روش گردآوری مطالب، از طریق فیش برداری از کتب، مقالات داخلی و خارجی و سایت های معتبر بوده و با رویکرد توصیفی به بررسی و شناساندن این تهدیدات در سه دسته بندی مجزا بر اساس ابعاد سیاسی - امنیتی، اقتصادی و اجتماعی پرداخته است.

فرضیه پژوهش

پژوهش بر این فرضیه استوار است که جمهوری اسلامی با ترکیبی از تهدیدات امنیتی که از سه بخش محیط داخلی کشور، تهدیدات منطقه ای و ایالات متحده به عنوان تهدید امنیتی و قدرت خارج از محیط مجاور، مواجه است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

ایران کشوری است که در منطقه پر التهاب خاورمیانه واقع شده و امنیت آن از سوی تهدیدات منبعث از غرب آسیا به چالش کشیده می شود. ضرورت انجام این پژوهش از همین نکته نشأت گرفته است. برای سیاست گذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران، مهمترین ضرورت و موضوع، در ابتدا، شناخت و درک درست از تهدیدات است؛ همان گونه که سیاست گذاری از شناخت مشکل آغاز می گردد، در سیاست گذاری امنیتی نیز شناخت تهدیدات همان شناخت مشکل محسوب می شود. بنابراین این پژوهش درصدد بررسی و شناساندن تهدیدات امنیتی منطقه مهم غرب آسیا به سیاست گذاران امنیتی است؛ تا بتوانند با مطالعه و شناخت این تهدیدات در اتخاذ سیاست های کارا و اثربخش مطلوبیت بیشتری کسب نمایند. بر همین اساس نوع سیاستگذاری مبتنی بر تهدیدات منطقه ای پیرامون کشور، می تواند در جهت دهی به فعالیت های اصلی کشور موثر واقع گردد.

چارچوب نظری

روزنه نگرش به موضوع امنیت در این پژوهش نظریه «مجموعه امنیتی منطقه ای» باری بوزان

است. این نظریه از کارآمدی بیشتری برای تحلیل مفهوم امنیت برخوردار است. در این خصوص در تحقیقی با عنوان «بررسی انتقادی نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای با استفاده از محیط منطقه قفقاز جنوبی» که توسط داداندیش و کوزه گر انجام شده آمده است: «از جمله مهمترین دستاوردهای نظری مکتب کپنهاگ را باید ارائه نظریه «مجموعه امنیتی منطقه ای» از سوی بری بوزان دانست که با توجه به ناکارآمدی رویکردهای سنتی و عدم توجه به ساخت شناسی مفهوم امنیت در ساخت تازه نظام بین الملل، رویکرد جدیدی را در حوزه مطالعات امنیتی ارائه نمود (داداندیش، کوزه گر، ۱۳۸۹: ۷۵). برخی مفهوم امنیت و تهدیدات امنیتی را مانند برداشت سنتی از امنیت به تهدیدات نظامی محدود کرده بودند، اما بوزان برعکس تهدیدات امنیتی را سرچشمه گرفته از سایر حوزه ها نیز می داند.

کنت والتز دامنه مفهوم تهدید را محدود به تهدیدات نظامی کرد اما ویور و بوزان به جای تهدیدات نظامی، تهدیدات وجودی را که شامل سایر حوزه‌ها به خصوص سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی است، مطرح می کند (Buzan, 1998: 21-23).

بر اساس این بنیان نظری، بوزان مجموعه امنیتی منطقه ای را اینگونه تعریف می کند: «مجموعه ای از واحدها که فرایندهای اصلی امنیت، عدم امنیت و یا هر دو آنها به گونه ای با یکدیگر مرتبط است که مسائل امنیتی آنها به صورت منطقی نمی تواند جدا از یکدیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد یا اینکه حل و فصل شود (داداندیش، کوزه گر، ۱۳۸۹: ۷۸).

بنابراین این نظریه با تلفیق سطوح مختلف ماهیت رابطه ای امنیت و در نظر گرفتن آن به مثابه یک پدیده پیوسته و غیر مجزا به لایه های مختلفی از تحلیل امنیت همت گماشته است که برای این پژوهش مناسب است. تهدیداتی امنیتی که از سیاست های داخلی کشور، نقش منطقه ای آن به همراه بازیگران این عرصه و نیز دشمن خارجی که سعی در اثرگذاری به هر دو محیط داخلی و منطقه ای موثر در امنیت کشور است.

در این نظریه، بوزان دو گام مهم در تحلیل مفهوم امنیت برداشت: «نخست توجه به سطح تحلیل منطقه ای بر پایه ماهیت رابطه ای امنیت و درک آن به عنوان یک پدیده به هم وابسته (و نه صرفاً یک موضوع جدا از هم) و دوم ترسیم طیف کاملی از لایه های تحلیل» (داداندیش، کوزه گر، ۱۳۸۹: ۷۶).

پیشینه پژوهش

در زمینه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تحقیقات زیادی انجام گرفته است، اما هر یک از آنها به یک یا چند تهدید منفرد در مورد منطقه غرب آسیا بسنده نمودند. حمید سجادی در مقاله ای تحت نام «بازخوانی انتقادی متون امنیت اجتماعی با رویکرد اسلامی» به مقوله امنیت اجتماعی پرداخته و از سویی این تحقیق جنبه تئوریک دارد. در تحقیق دیگری با موضوع «سیر تحول سلفی گری از خلوص در فکر تا خشونت ورزی در عمل» که توسط روح الله طالبی آرائی و جمال گویلی کیلان ارائه گردیده؛ تهدید امنیت کشور بیشتر، جریانات سلفی قلمداد گردیده و به سیر تحول و شکل گیری این تفکر و بروز و ظهور آن به صورت خشونت سازمان یافته در عصر حاضر پرداخته است. مقاله دیگر که توسط مهدی کردی کلا و همکاران ذیل موضوع «ارزیابی پیامدهای سیاست تمرکز زدایی آمریکا از غرب آسیا و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» چاپ گردیده، بیان می دارد که نقش قدرت های اروپایی با محوریت ناتو و کشورهای منطقه با محوریت عربستان به جای آمریکا در صدد رقم زدن معادلات امنیتی منطقه و ایران هستند. همان گونه که هویداست، بیشتر این پژوهش ها به صورت مجزا به تهدیدات امنیتی غرب آسیا برای کشور ایران پرداخته اند و مانند مقاله پیش رو به عوامل موثر داخلی کشور و منطقه غرب آسیا به طور توأمان نپرداخته اند و از سویی به شناخت مشکل از منظر سیاست گذاری همت نگماردند.

تعاریف

۱. منطقه غرب آسیا

منطقه غرب آسیا از لحاظ تاریخی محل تلاقی تمدن و ویژگی ها و فرهنگ بوده و از ویژگیهای منحصر به فرد تاریخی، فرهنگی و اجتماعی برخوردار است. از آنجایی که این منطقه دارای اهمیت سوق الجیشی است، صلح، امنیت و ثبات آن پیش شرط دستیابی به صلح، امنیت و ثبات جهانی محسوب می شود. غرب آسیا از پنج منطقه فرعی تشکیل شده است که در کل ۲۴ کشور را دربرمی گیرد: افغانستان، ارمنستان، آذربایجان، بحرین، گرجستان، جمهوری اسلامی ایران، عراق، اردن، قزاقستان، کویت، قرقیزستان، لبنان، عمان، پاکستان، فلسطین، قطر، عربستان سعودی، سوریه، تاجیکستان، ترکیه، ترکمنستان، امارات متحده عربی، ازبکستان و یمن. اشغال عراق و افغانستان بعد از ۱۱ سپتامبر و رقابتهای ژئوپلیتیکی قدرتهای فرا منطقه‌ای و منطقه‌ای در غرب آسیا اهمیت منطقه را

نشان می‌دهد و این نکته را خاطر نشان می‌سازد که همه این کشورها باید به عنوان یک کل در نظر گرفته شوند. سرنوشت اجزاء این منطقه در هم تنیده است؛ به موضوع افغانستان یا سوریه نمی‌توان جدا از موضوع عراق پرداخت. بنابراین مسائل جدید مربوط به منطقه را باید در یک گستره وسیع به نام غرب آسیا بررسی کرد (دریکوند، یزدان پناه، اخباری، ۱۳۹۸: ۵۷۹).

این منطقه از بی‌ثبات ترین مناطق جهان است که بر خلاف بسیاری از دیگر مناطق در حال توسعه جهان، نزدیک به دو و نیم دهه پس از پایان جنگ سرد، کشمکش‌های منطقه‌ای بویژه کشمکش اعراب و اسرائیل هنوز در آنجا تداوم دارد. از سویی دیگر رشد گستره‌ی بنیادگرایی اسلامی طی همین مدت امنیت و ثبات منطقه را به مخاطره افکنده است. این منطقه معدن بزرگترین منابع هیدروکربنی جهان شامل نفت و گاز است، که مهمترین منبع انرژی و دستیابی دولت‌ها به رفاه هستند و دائماً در تلاطم بوده و امپریالیسم جهانی بطور دائم ثبات این منطقه را بر هم می‌زند.

۲. سیاستگذاری امنیتی

سیاست گذاری امنیتی هنر استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای مطلوب جهت تفوق بر بحران‌های مختل‌کننده امنیت است. از آنجاییکه شناخت مشکل به مثابه شناخت تهدید در سیاست گذاری امنیتی است، رضوی نژاد و ملک محمدی در مقاله‌ای به نام «درآمدی تحلیلی بر مسئله شناسی در سیاستگذاری امنیتی» اساس و تعریف سیاست گذاری امنیتی را این‌گونه بیان داشته‌اند که: «شناخت چپستی و چگونگی مسائل امنیتی به منظور تقابل با تهدیداتی و آسیب‌هایی که ممکن است علاوه بر جنبه‌های فردی و اجتماعی، موجب سرنوشتی دولت نیز شود» (رضوی نژاد، ملک محمدی، ۱۳۹۷: ۲۸۱). بنابراین سیاست گذاری امنیتی به معنی، شناخت و درک تهدیدات و سپس تدوین و اجرای سیاست‌هایی برای کاهش، بی‌اثر نمودن و یا رفع کامل تهدیدات امنیتی از نظام سیاسی حاکم است.

یافته‌ها و بحث

۱. شناخت مسئله در سیاست‌گذاری امنیتی

فرایند سیاست گذاری با شناخت مسئله یا مشکل آغاز می‌شود. شناسایی مسئله بسیار شبیه موردی است که در آن یک بیمار برای مداوای خود به پزشک مراجعه می‌کند. شناسایی مسئله، مهم‌ترین قسمت از فرایند سیاست گذاری است. (ملک محمدی، ۱۳۹۴: ۴۰)

سیاست‌گذاری امنیتی، در وهله نخست، به دنبال درک مسئله امنیتی، تمرکز بر آن و سپس، یافتن راه‌حل مناسب است. یافتن مسئله و شناخت آن اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا مسئله‌ای که دیده نشود یا نادرست دیده شود، هر دو در حکم شناخته نشدن است. مسئله‌ای که شناخته نشود، حل نمی‌شود و اگر حل نشود ممکن است به بحران تبدیل شود. در سیاست‌گذاری امنیتی شناخت مساله، که از اهمیت آن سخن رفت؛ با شناخت تهدیدات آغاز می‌گردد. تهدیدات امنیتی منطقه غرب آسیا برای امنیت جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند روشنگر افق سیاست‌گذاری برای رفع و یا بی‌اثر کردن این تهدیدات پیش پای سیاست‌گذاران امنیتی کشور باشد. تهدیدات امنیتی که به سه دسته تهدیدات امنیتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تقسیم می‌گردد.

۱-۱). تهدیدات سیاسی امنیتی

در این بخش به بررسی تهدیدات سیاسی امنیتی پرداخته شده است. منظور از تهدیدات سیاسی و امنیتی، رخدادهایی است که موجب به خطر افتادن امنیت و ساختار سیاسی کشورها می‌شود. این تهدیدات بر اساس شرایط منطقه یاد شده قابل تشخیص است.

۱-۱-۱). تروریسم و داعش

گروه‌های تکفیری در جریان حوادث سوریه و تحولات منطقه‌ای با نوعی دگرگونی مواجه شدند؛ در واقع نوعی برندسازی میان گروه‌های تکفیری رخ داده است. اگر در گذشته گروه‌های تکفیری با برند القاعده شناخته می‌شدند، در حال حاضر برندهای جدیدی ظهور کرده‌اند که شاخص‌ترین آن داعش است. (عباسی، ۱۳۹۳: ۹۳).

تروریسم معضلی است که از دهه‌ها پیش منطقه غرب آسیا با آن درگیر است و ظهور داعش در این منطقه خطر جدی برای تمامیت ارضی و نیز یکپارچگی سرزمینی ایران به حساب می‌آید. این جریان تکفیری با صبغه وهابی‌گری و فقه مبتنی بر فقه حنبلی دست به تکفیر سایر فرقه‌های مسلمان زده و به خصوص شیعیان را کافر و مهدورالدم می‌داند. تفاوت و حتی تعارض عقیدتی که بین داعش و ایران شیعی وجود داشت سبب گردیده که ایران این گروه تکفیری را از تهدیدات بالقوه امنیتی خود قلمداد کند و بشناسد و درصدد حفظ مرزهای خود از نفوذ و تجاوز آن برآید.

۲-۱-۱). جنگ و درگیری نظامی در منطقه

یکی از تهدیدات اساسی شکل گرفته در غرب آسیا درگیری‌های نظامی و سیاسی داخلی و بین‌المللی میان در کشورهایی چون سوریه، یمن، افغانستان، بحرین و عراق است. به دلیل وجود گسل

های قومی و مذهبی در کشورهای منطقه، این درگیری‌های نظامی و سیاسی چه بصورت داخلی و چه بصورت بین‌المللی، آوردگاه گروه‌های مختلف داخلی و خارجی برای قدرت‌نمایی و به تبع آن، دخالت بیشتر کشورهای غربی و ایالات متحده و ناتو در منطقه و نیز آواره شدن بسیاری از مردم از خانه و کاشانه‌شان شده است. گوشه‌ای از این خطر در مقاله مهدی کردی کلا و همکاران با موضوع، «ارزیابی پیامدهای سیاست تمرکز زدایی آمریکا از غرب آسیا و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» بدین صورت گوشزد گردیده است که: «اشغال افغانستان و عراق توسط آمریکا، جمهوری اسلامی ایران بیش از هر زمانی خطر حضور ناتو را در مرزهای خود احساس کرد. به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک، ایران در محاصره ناتو قرار دارد. در شمال آن، کشورهای ارمنستان و آذربایجان عضو طرح مشارکت برای صلح ناتو هستند. در شمال غرب جمهوری اسلامی ایران، ترکیه از اعضای دائمی ناتو است. در شرق ایران نیروهای حافظ صلح ناتو تحت عنوان آیساف در افغانستان حضور دارند» (کردی کلا، حیدرپور، جاودانی مقدم، ۱۴۰۰: ۳۰۲) به هر صورت یکی از تهدیدهای عمده منطقه غرب آسیا و به خصوص خاورمیانه، بحران‌های مربوط به جنگ و درگیری نظامی است. وجود جنگ در سوریه یکی از این تهدیدات امنیتی شناخته شده توسط جمهوری اسلامی است که اهمیت آن به این دلیل است که تغییر رژیم در سوریه سبب قطع مسیر ارتباطی کشورهای محور مقاومت به رهبری ایران با متحد خود در لبنان یعنی حزب الله بوده است. از دیگر اهمیت‌های آن، طرح تجزیه این کشور توسط محور غربی-عبری-عربی پس از اشغال و سقوط دولت بشار اسد بوده است که در راستای تامین منافع اسرائیل برآورد گردیده است. درست‌چنین سناریویی در کشور مظلوم یمن نیز پیاده گردید و کشورهای غربی با حمایت از عربستان و دولت دست‌نشانده یمن؛ اقدام به تجاوز به این کشور نمودند. علاوه بر این دو کشور، جنگ در عراق به دلیل داشتن مرزهای طولانی با جمهوری اسلامی پتانسیل تولید تهدیدات امنیتی از نوع تجاوز نظامی به مرزهای ایران را به همراه داشت. جنگ داخلی عراق و ظهور داعش و سرعت فتوحات این گروه تکفیری بر اهمیت حفظ مرزهای کشور از سوی ایران افزود. فتح موصل توسط داعش و دست یافتن به درآمدهای حاصل از فروش نفت چاه‌های نفت موصل سبب قدرت گرفتن داعش گردید و ادامه این روند می‌توانست با صرف دلارهای نفتی به جذب نیروهای بیشتر از سوی تکفیری‌ها گردد. بنابراین این تهدید امنیتی از لحاظ جغرافیایی نزدیک‌ترین تهدید امنیتی درک و شناخته شده از منظر سرزمینی به کشور بوده است.

۳-۱-۱. حکومت های اقتدارگرا

با توجه به پدیده بهار عربی و رستاخیز ملت های عربی علیه حاکمان جائر و ستمگر خود همچون لیبی و مصر، این زمینه در کشورهایمانند عربستان، بحرین و اردن نیز وجود دارد که فشارهای حاکمان، موجب سست شدن بنیان حاکمیت آنها شود. از همین رو به عنوان یک تهدید و یا بحران منطقه ای در غرب آسیا، می توان پدیده این نوع حاکمیت و نارضایتی های داخلی را نیز مورد بررسی قرار داد. نارضایتی از ساختار حکومت با قدرت گرفتن بن سلمان افزایش یافته است (الیوم، ۲۰۱۷، الیوم ۲۰۱۸، کیهان، ۱۳۹۸). به خصوص که تصمیم گیری های بن سلمان موجب فشار اقتصادی به مردم عربستان شده است. اعطای امتیازات مختلف به ایالات متحده، خرید های تسلیحاتی بالا که منطقه را به سمت خطرناکی سوق می دهد، مقابله با نفوذ منطقه ای ایران و چرخش مواضع کشورهای دیکتاتوری منطقه به سرکردگی عربستان به نفع اسرائیل و به ضرر ایران و تحت فشار قرار دادن جمعیت نسبتاً بالای شیعه این کشور و همچنین شیعیان سایر کشورها چون یمن و بحرین سبب گردیده که این رژیم ها و سیاست گذاری های آنان در منطقه به عنوان تهدیدی امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران ملموس باشد.

۴-۱-۱. امنیت خلیج فارس

تردیدی نیست که حوزه خلیج فارس به لحاظ دارا بودن ارزش های ویژه ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی، همواره بعنوان کانون رقابت قدرت های بزرگ در صحنه بین المللی مطرح خواهد بود و هرگاه تنش یا تعارضی در منطقه شکل بگیرد که منجر به ایجاد بحران و ناامنی شود، با عکس العمل جدی کشورهایمانند که منافع اقتصادی و سیاسی شان به منابع انرژی و صدور آن وابسته است مواجه می شود (رحیم پور، ۱۳۸۹: ۱۱).

لذا برقراری امنیت وثبات و تداوم آن درحوزه خلیج فارس از مهمترین اولویت های منظومه های قدرت در قرن بیست و یکم خواهد بود. حال اگر کشورهای منطقه قادر باشند با تفاهم و همکاری زمینه های برقراری امنیت و ثبات را با مشارکت جدی همه اعضا در منطقه فراهم نمایند، قطعاً بیشترین بهره را خواهند برد و در دهه های آتی با توجه به امکانات و منابعی که در اختیار دارند در جهت افزایش منافع ملی و اقتدار بین المللی خود حرکت خواهند کرد. از سویی وجود ناامنی در این منطقه پای قدرت های خارجی را در تامین امنیت خلیج فارس باز می کند و امنیت خارج از منطقه به دلیل وجود تخاصم بین ایران و آمریکا سبب تهدید منافع ایران خواهد

گردید. بنابراین تامین و حفظ امنیت این پهنه آبی مهم یکی از ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی است که از دیرباز توسط سیاست‌گذاران امنیتی شناخته شده است. این موضوع کاملاً واضح است که اگر کشورهای منطقه نتوانند امنیت لازم را برای تولید و صدور منابع انرژی خلیج فارس فراهم نمایند، قطعاً امنیت از خارج از منطقه به آنها تحمیل شده و این امر به بهای از دست رفتن منافع ملی شان تمام خواهد شد. لشکرکشی‌های ایالات متحده و متحدین غربی اش از اوایل دهه ۱۹۹۰ در خلیج فارس در همین راستا قابل توجیه است (رحیم‌پور، ۱۳۸۹: ۱۱).

۱-۱-۵. اختلافات با کشورهای عربی

در میان کشورهای قدرتمند غرب آسیا، دو کشور ایران و عربستان نقش عمده تری نسبت به سایر کشورها دارند. هر دو کشور دارای جایگاه قدرتمندی در منطقه هستند و دوستان و دشمنانی نیز دارند. هر دو کشور پایگاه ایدئولوژیک سایر کشورها از نظر توسعه دین اسلام یکی مذهب اهل سنت و وهابیت و سلفی‌گری و دیگری توسعه مذهب تشیع هستند. ایران و عربستان از دیرباز دارای اختلافاتی با یکدیگر بوده‌اند که در دهه اخیر این اختلافات اوج گرفته است. علاوه بر این اختلافات، روش عربستان و ایران در تامین منافع و نیز امنیت، متفاوت با یکدیگر است که بر میزان این اختلافات و کشمکش‌ها می‌افزاید. عربستان در قبال ائتلاف‌سازی عموماً روش‌ها و رویکردهایی را در پیش گرفته است که مهم‌ترین آن ائتلاف‌سازی با بازیگران رسمی منطقه‌ای و کشورهای اسلامی فرامنطقه‌ای با محوریت این کشور است و از سویی برای پیشبرد اهداف منطقه‌ای خود اقدام به ائتلاف‌سازی غیررسمی از طریق حمایت مالی از برخی گروه‌های شبه‌نظامی و تکفیری با پشتوانه ایدئولوژی وهابی و سلفی می‌کند. این ائتلاف‌سازی عموماً به‌عنوان ابزاری برای جنگ‌های نیابتی و اطلاعاتی برای ضربه زدن به رقبای مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین عربستان سعودی با قدرتهای فرامنطقه‌ای به‌خصوص ایالات متحده آمریکا دست به ائتلاف زده است تا به این وسیله جایگاه خود را نسبت به رقبای منطقه‌ای بهبود بخشد. عربستان سعودی برای حفظ این ائتلاف اقدام به اتخاذ سیاست‌های مختلف از جمله درگیر کردن آمریکا در مسائل منطقه‌ای، خریدهای تسلیحاتی با هدف حفظ حضور آمریکا در منطقه و همچنین همراهی و همسویی با سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا در غرب آسیا می‌کند. عربستان سعودی برای جبران ضعف اطلاعاتی و نظامی خود برابر رقبای منطقه‌ای به‌ویژه ایران، وارد ائتلاف با رژیم صهیونیستی

شده و به دلیل محذوریتهای سیاسی، این ائتلاف غیر آشکار و محدود است و ابعاد این ائتلاف نیز بیشتر امنیتی برآورد می‌شود. بنابراین تفاوت در تامین امنیت توسط دو کشور سبب تعارضاتی بین آن‌ها می‌گردد که به سهولت به عنوان تهدیدات امنیتی بالقوه توسط ایران درک گردیده است. ذکر مختصری از روش‌های تامین امنیت ایران می‌تواند نقاط اختلاف و تعارض را روشن سازد. جمهوری اسلامی ایران نیز در ائتلاف‌سازی خود رویکردهای متنوعی را اتخاذ کرده است. نخست ائتلاف‌سازی با بازیگران فراملی است که این گروه‌های فراملی در کشورهای خود در چهارچوب ساختار سیاسی فعالیت می‌کنند و نقش گروه مخالف و یا معارض نظام را ندارند. برای مثال جنبش‌های حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن، حشدالشعبی عراق، حماس و جهاد اسلامی فلسطین، بخشی از پارلمان و دولت کشورهای متبوع خود محسوب می‌شوند و به‌عنوان بازیگر رسمی شناخته می‌شوند. این ائتلاف بر مبنای ارزش‌ها و گفتمان‌های نهضتی در چهارچوب انقلاب اسلامی با هدف مبارزه با تهدیدات داخلی و خارجی جهان اسلام شکل گرفته است که نمود آن مبارزه با رژیم صهیونیستی در قالب محور مقاومت است. گفتنی است اگرچه دولت‌های حاکم بر این کشورها را نمی‌توان در چارچوب متحدان استراتژیک ایران دسته‌بندی کرد ولی آنها سعی دارند ملاحظات منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را در نظر بگیرند. دوم، ائتلاف‌سازی‌های سیاسی، امنیتی و نظامی ایران با کشورهایی را می‌توان اشاره کرد که هیئت حاکمه آنها با توجه به ضرورت‌های ژئوپلیتیکی و همسویی اهداف و تهدیدات پیش‌رو، با ایران همسو هستند؛ برای مثال می‌توان به دولت سوریه اشاره کرد که جزو متحدان استراتژیک ایران و محور مقاومت محسوب می‌شود. این کشور اگرچه در چهارچوب دقیق نهضتی ائتلاف محور مقاومت نمی‌گنجد، ولی در بخشی از اهداف همچون مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و همچنین دفع تهدیدات رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست بین‌الملل همسو است. سوم، جمهوری اسلامی ایران به دلیل اتخاذ راهبرد امنیت درون‌زا در منطقه غرب آسیا از ائتلاف‌های دائمی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای پرهیز دارد ولی در صورت لزوم در سطحی که منجر به حضور دائمی در کشور یا منطقه نباشد، سعی دارد از کمک قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون روسیه برای حفظ ثبات و جلوگیری از دخالت سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای استفاده کند.

۱-۱-۶. تنش‌های قومی

از آنجایی که یکی از اهداف سیاست‌های قومی وفاق، همبستگی اجتماعی و فرهنگی میان اقوام

است، توجه به جغرافیای فرهنگی کشور و شباهتها و تفاوت‌های فرهنگی میان مکانها و فضاهای جغرافیایی کشور- که یکی از اصول جغرافیای ناحیه ای است- میتواند زمینه کارکرد مناسب ناحیه ای، مشارکت بیشتر شهروندان، کاهش رقابتهای قومی و مذهبی و در نتیجه افزایش همگرایی ملی را به دنبال داشته باشد. (محمودی، افضلی، ذکی، ۱۴۰۰:۲۲۵)

ایران کشوری با قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف است که این امر می‌تواند هم نقطه قوت و هم نقطه ضعف برای امنیت کشور به حساب آید. در خصوص تنش‌های قومی می‌توان به دو نوع حیطة از تهدیدات اشاره نمود. یکی استفاده از تفاوت‌های مذهبی توسط دشمنان کشور است که به دلیل وجود شهروندان سنی مذهب در شهرستان‌ها و شهرهای مرزی، خطر پیوستن آن‌ها به گروه‌های مهاجم، خصوصا داعش وجود داشت که البته این امر را نمی‌توان به همه اهل سنت ایران تعمیم داد و دیگری تقویت انگیزه جدایی طلبی در برخی از اقوام کشور است. سال‌ها است که دشمنان ایران در صدد تحریک گسل‌های قومی در کردستان ایران، عراق و ترکیه برای تشکیل کشور مستقل کردستان هستند. این تنش برای هر سه کشور مشکلاتی به همراه داشته است و سبب مبارزه طولانی گروه‌های تجزیه طلب با آنها شده است. گروه‌هایی مانند کومله، دموکرات، حزب میهنی کردستان (پ.ک.ک) و پژاک. امریکا و اسرائیل، همیشه از تجزیه شدن کشورها حمایت کرده‌اند و این امر را یک استراتژی برای تضعیف کشورهای قدرتمند در منطقه خاورمیانه می‌دانند.

استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق در راستای منافع بلند مدت اسرائیل و آمریکا در منطقه و در تداوم تحقق اهداف استراتژیک و گسترش نفوذ آنان در مرزهای غربی ایران می‌باشد. حضور آنان در این اقلیم و حمایت همه جانبه شان از اقدام‌های نظامی گروه‌های تجزیه طلب کومله، دموکرات و پژاک که در کردستان عراق و در نزدیکی مرزهای کردستان ایران استقرار دارند، موجب بحران قومی و تضعیف تمامیت ارضی مناطق کرد نشین ایران شده است. (قاسمی، معصومی، اژدری، ۱۳۹۹:۸۷)

۲-۱. تهدیدات اقتصادی و اجتماعی

یکی از رویدادهایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، مباحث مرتبط با اقتصاد و اجتماع است که به عنوان تهدیدی در دهه ۹۰ در منطقه غرب آسیا مطرح شده است. تهدیدات درک و شناخته شده اقتصادی و اجتماعی، در منطقه غرب آسیا بیشتر از سوی ایالات متحده و هم پیمانان اروپایی و عرب منطقه در مورد ایران به اجرا گذاشته شده است و به دلیل

وابسته بودن ایران به درآمد نفت، صادرات نفتی ایران را محدود نموده و در مورد دیگر با همکاری کشورهای عربی در صدد کاهش قیمت نفت و انرژی گام هایی برداشته شده است. به جنبه داخلی این تهدید، در گفتار بنیانگذار انقلاب اسلامی اشاره شده است.

در واقع امام خمینی با تاکید بر پنج مولفه از تهدیدات اقتصادی امنیت ملی، بر آن اهتمام جدی دارند، شامل: وابستگی اقتصادی، بیکاری و کم کاری، کم توجهی به نیازهای استراتژیک کشور مثل کشاورزی، مصرف زدگی و واردات کالاهای خارجی، توطئه چینی و طمع ورزی بیگانگان به ذخایر و منابع کشور. (علویان، محمدی راد، ۱۳۹۹: ۱۶۰)

۱-۲-۱. تحریم های اقتصادی

یکی از رخدادهایی که منطقه غرب آسیا را تهدید می کند، تحریم های اقتصادی امریکا و کشورهای غربی و عربی علیه ایران، قطر، یمن، ترکیه و سایر کشورها مانند لبنان و سوریه است. اهمیت این رویداد زمانی بیشتر می شود که کلیه روابط پولی و مالی و همچنین تجاری این کشورها، دستخوش تغییر و تحول می شود. تحریم های اقتصادی که شکل نوینی از جنگ با یک کشور با تسلیحات اقتصادی و ابزار پولی و مالی است، قدمتی دیرینه دارد اما در دنیای امروز و به خصوص در دهه های اخیر، بسیار مورد استفاده قرار گرفته است. ایران یکی از کشورهایی است که بیشترین آسیب را از تحریم های اقتصادی تجربه کرده است. این تحریم ها فقط به صادرات و فروش نفت منحصر نبوده و از تحریم واردات اقلام و تجهیزات پزشکی و دارو گرفته تا تجهیزات نظامی و خرید های تسلیحاتی را دربر می گیرد. این تحریم ها خود از منابع مهم ایجاد تهدیدات امنیتی هستند، که نارضایتی را در سطح جامعه گسترش داده و سبب رویارویی جامعه با نظام می گردد.

این نوع فشارهای منطقه ای مختص ایران نبوده و کشورهایی مانند یمن نیز توسط کشورهای همسایه دچار بحران شده اند. به عنوان مثال کشور یمن به دلیل جنگ نظامی و حملات عربستان و تحریم های اقتصادی این کشور دچار بحران و قحطی شده و از سال ۲۰۱۶ تا کنون جان ۱۷ میلیون نفر در یمن در خطر مرگ قرار دارد (گزارش سازمان ملل، ۲۰۱۸).

۱-۲-۲. تهدیدات اجتماعی

از اواخر سال ۲۰۱۰ مجموعه ای از شورش ها و اعتراضات خیابانی تقریباً هم زمان منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را فراگرفت. این شورش ها در برخی از کشورها مانند تونس، مصر و لیبی فرآیند تغییر رژیم را کلید زد. در برخی دیگر مانند یمن و بحرین زد و خوردهای خونین با نتایج

دهشت‌بار را سبب شد و بالاخره کشورهایی مانند مراکش، الجزایر، اردن، عمان و عربستان را آستان حوادث نامعلوم نمود. علت این شورش‌ها نرخ بالای بیکاری جوانان، نرخ بالای تورم و کاهش قدرت خرید خانوارها، بی‌عدالتی و بالاخره وجود فساد مالی گسترده در بخش عمومی اقتصاد اعلام شده است. این دست از رخدادها به دلیل افزایش تهدیدهای اجتماعی همچون تبعیض، فقر و بی‌عدالتی و همچنین آزادی‌های مدنی و ساختارهای اجتماعی است که در ایران نیز چندین بار مشاهده شده است مانند آنچه که در سال ۹۶ به دلیل افزایش سه برابری قیمت بنزین در سطح کشور رخ داده است.

۱-۲-۳. فقر و بیکاری

ساختار حاکمیت کشورهای منطقه غرب آسیا و عدم توزیع عادلانه ثروت، تجمع قدرت و ثروت حاصل از فروش نفت و منابع طبیعی در سیطره افراد خاص، وقوع جنگ‌های متعدد، فقر فرهنگی و نرخ اشتغال پایین و جمعیت بالای کشورها، ضعف مدیران و عوامل متعدد دیگر موجب بروز فقر در کشورهای این منطقه شده است. به عنوان مثال مطالعات یونیسف در مورد ۱۱ کشور در خاورمیانه و شمال آفریقا نشان می‌دهد که حداقل ۲۹ میلیون کودک (یک چهارم کودکان این مناطق) در فقر زندگی می‌کنند (یونیسف، ۲۰۱۸).

فقر و بیکاری در جامعه ایران نیز که بیشتر از سوء مدیریت و سیاست‌های بازتوزیعی ناعادلانه سرچشمه گرفته است به حد بحرانی خود رسیده است. از آنجایی که نیروی انسانی جوان و تحصیل کرده کشور از نقاط قوت و از عوامل بنیادی پیشرفت و توسعه کشور است؛ اما با این سوء مدیریت‌ها در حال بدل‌گردیدن به یک تهدید امنیتی است. از سویی بیکاری و فقر اقتصادی سبب گردیده تا از سن جمعیت جوان و پویای کشور در حال عبور باشیم و این نقیصه سبب گردیده مردم نسبت به فرزندآوری و حتی ازدواج با مشکل مواجه گردند. اکنون کشوری که از لحاظ جمعیت جوان محسوب می‌گردید، در حال پیر شدن جمعیت است و در میان جمعیت جوان آن به دلیل بیکاری، تورم و فقر انگیزه‌ای برای تشکیل خانواده وجود ندارد و این یکی از تهدیدات امنیتی است که در آینده چهره یک بحران را به خود خواهد گرفت.

۱-۲-۴. بی‌سوادی

یکی از معضلاتی که منطقه خاورمیانه وجود دارد، معضل بی‌سوادی است. سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در گزارشی اعلام کرد حدود ۷ میلیون کودک در منطقه

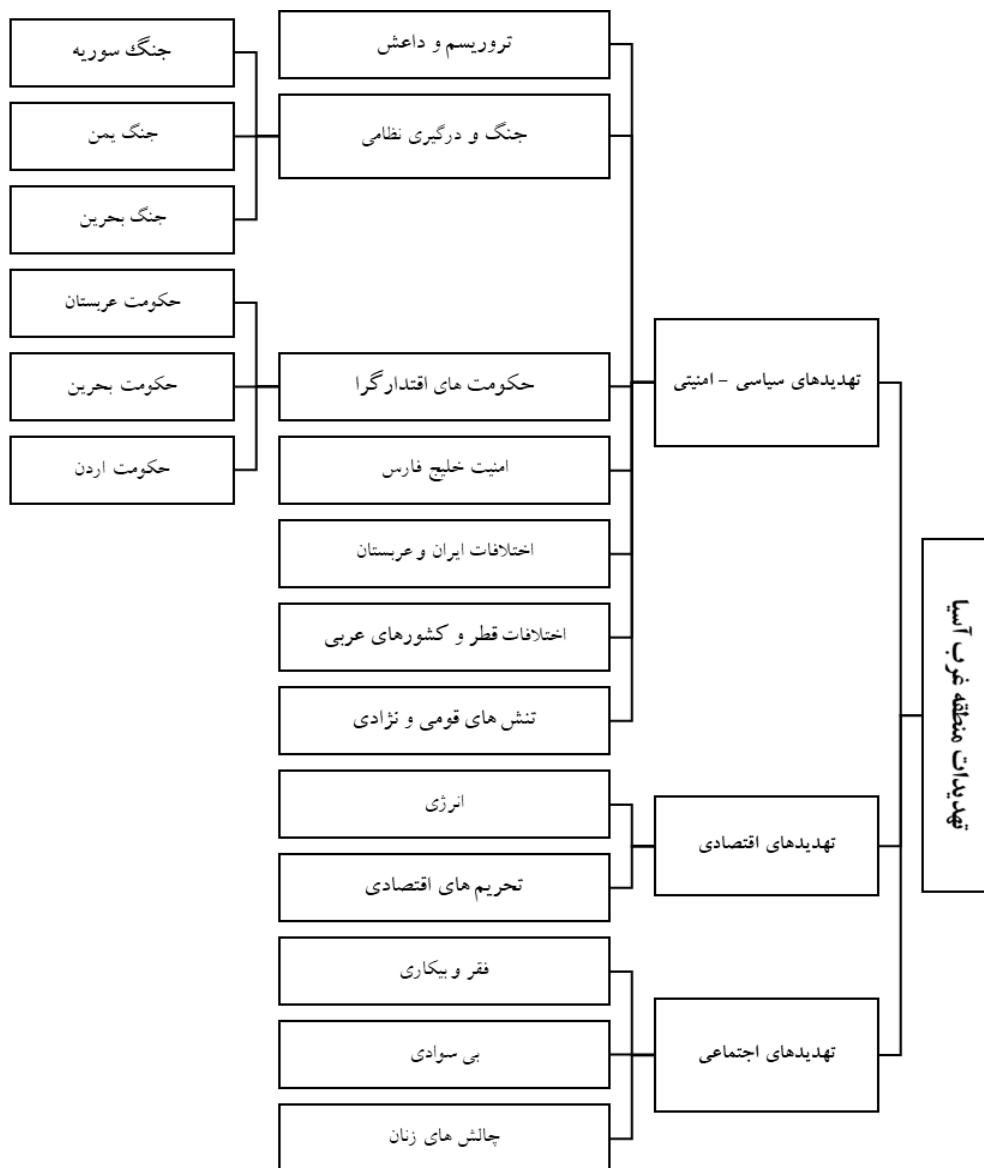
خاورمیانه از نعمت سواد محروم هستند (گزارش یونسکو، ۲۰۱۸).

همچنین یونسکو اعلام کرد فقر، نا آرامی های سیاسی، منازعات و تبعیض بین دختران و پسران در برخی از کشورها و به ثبت نرسیدن نام نوزادان از علل بی سوادى کودکان در جهان و خاورمیانه است. بر اساس گزارش یونسکو بیشترین رقم بیسوادی در بین کودکان برای کشورهای مصر، عراق و عربستان است. در مصر بیش از ششصد هزار، در عراق بیش از پانصد و شصت هزار و در عربستان بیش از هفتصد و ده هزار کودک بیسواد هستند. یونسکو همچنین تعداد بیسوادان در کشورهای عربی در بین افراد بزرگسال بالای پانزده سال را حدود صد میلیون نفر اعلام کرده است (گزارش یونسکو، ۲۰۱۸). بی سوادى ریشه ناآگاهی و رشد نایافتگی افراد و کشش به سمت فساد و ضعف در مطالبه گری است. از همین رو وجود تعداد بالای افراد بی سواد در منطقه موجب شکل گیری تهدید بی سوادى شده است.

۱-۲-۵. چالش های زنان

دو مفهوم تبعیض نژادی و جنسیتی مشابهت های بسیار دارند: تبعیض نژادی نشان دهنده تصویرها، نگرش ها، رفتارها و کلیشه های تبعیض آمیز نسبت به یک قوم است و تبعیض جنسیتی، شکل های متعدد نابرابری بر اساس جنسیت را در بر می گیرد. اگر شیوه های تفکر و رفتار فردی کمابیش آگاهانه به تبعیض جنسی آغشته باشد او را طرفدار تبعیض جنسی می نامند. به بیان روشن تر «تبعیض جنسی عبارت است از برخورد یا عملی که بر اساس جنسیت افراد به تحقیر، طرد، خوار شمردن و کلیشه بندی آنان می پردازد» و به مفهوم باز هم وسیع تر «تبعیض جنسی گرایش است که برای تکریم یک جنس به تحقیر جنس دیگر می پردازد» (بهرامی، ۱۳۹۷)

تهدید اصلی حاصل از وضعیت زنان در جامعه خاورمیانه، به مشارکت، اعتراضات مدنی مشابه آنچه در ایران و عربستان در حال وقوع است و لزوم اصلاحات اساسی قانونی برمی گردد. برخی از موارد تبعیض آمیز در کشورهای ذکر شده تبعیض در استخدام و آموزش، تبعیض در آموزش و فرصت های آموزشی، تبعیض در میزان دستمزد و پرداختی ها، تبعیض در مشارکت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تبعیض در برخورداری از حقوق مدنی برابر با مردان در جامعه، تبعیض در پیشرفت شغلی و حرفه ای زنان و کلیشه های جنسیتی نسبت به قوانین، جایگاه ها و حقوق انسانی است.



شکل ۱. تهدیدهای منطقه غرب آسیا در دهه اخیر

نتیجه گیری

در این پژوهش به بررسی و ارزیابی پیامدهای تهدیدات منطقه غرب آسیا در دهه ۱۳۹۰ شمسی پرداخته شد. هر چه دایره دوستان و هم پیمانان کشور ایران تنگ تر شود، خطرات منطقه ای برای کشور افزایش می یابد و کشور ایران باید بر وجوه اشتراک خود با کشورهای منطقه تمرکز داشته باشد و ایجاد ائتلاف های نظامی و اقتصادی، که منافع مشترکی را با سایر کشورها ایجاد نماید اهمیت می یابد. با توجه به بالا بودن خطر شکل گیری جنگ در کشورهای همسایه، و تاثیر آن بر امنیت ایران استفاده از ریزنی های سیاسی، جهت کاهش خطر جنگ در بین کشورها موثرتر خواهد بود. این تلاش ها می تواند هزینه های سیاسی کشور را افزایش دهد ولی افزایش هزینه های سیاسی بهتر از افزایش هزینه های نظامی و تخریب و بازسازی و درگیر شدن در جنگ های منطقه ای است. بی تفاوتی مسئولان به مسائل مردم، با اهمیت جلوه دادن برخی مشکلات نظام و بی تفاوتی نسبت به مسائل مردم، عدم پاسخگویی و نبود نظارت بر عملکرد همه مسئولان نظام، موجب تشدید بی اعتمادی می شود. امروزه سواد رسانه ای و فضای مجازی بسیار تعیین کننده است و نبرد در این عرصه بسیار دشوارتر است. بنابراین این خلاء می تواند آسیب های جبران ناپذیری داشته باشد. نمایان گردیده که سیاست گذاری های مبتنی بر عقلانیت و دوری از هیجان می تواند بیشتر به مطلوبیت سیاستها بیانجامد. وابستگی اقتصاد به نفت، تاثیر منفی در سیاست گذاری کشور دارد و از سویی حفظ امنیت خلیج فارس و لزوم رفع شک و شبهه کشورهای عربی منطقه از سیاست های ایران برای جایگزینی امنیت درون زا در خلیج فارس بسیار ضروری می نماید. رفع مشکلات معیشتی، اشتغال، مسکن و ازدواج جوانان در کاهش تهدیدات امنیتی از داخل کشور نباید از دید سیاست گذاران امنیتی جهت کاهش این تهدیدات امنیتی دور بماند.

منابع

- بختیاری، حسین؛ صالح نیا، علی (۱۳۹۷). اولویت بندی تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، ۸(۲۷)، ۲۵۵-۲۷۷.
- بهرامی، رویا (۱۳۹۷)، تاثیر سیاسی و اجتماعی تبعیض جنسی بر توسعه فرهنگی در خاورمیانه و شمال آفریقا، اولین کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی و اجتماعی، اصفهان. ۱۷-۱.
- داداندیش، پروین؛ کوزه گر، ولی (۱۳۸۹). بررسی انتقادی نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای بوزان با استفاده از محیط امنیتی منطقه قفقاز جنوبی، راهبرد، ۱۹(۱)، ۱۰۷-۷۳.
- دریکوند، بهروز؛ یزدان پناه، کیومرث؛ اخباری، محمد (۱۳۹۸). ارزیابی ساختار ثبات و امنیت منطقه‌ای فضاهای جغرافیایی و ژئوپلیتیکی پسا داعش در منطقه غرب آسیا (مطالعه موردی عراق). جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۲۹(۲)، ۵۷۹-۵۹۷.
- رحیم پور، علی (۱۳۸۹). امنیت خلیج فارس و جایگاه استراتژیک ایران. جغرافیای انسانی، ۱، ۳۰-۱۱.
- رضوی نژاد، سیدامین و رزاقی، جواد (۱۳۹۷). مدل مطلوب اجرا و ارزیابی در سیاست گذاری امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران. نخطمشی‌گذاری عمومی در مدیریت، ۹(۲۹)، ۱۰۱-۱۱۸.
- رضوی نژاد، سیدامین؛ ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۷). درآمدی تحلیلی بر مسئله شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۸(۲۷)، ۲۷۹-۲۹۶.
- عباسی، محمود (۱۳۹۳). سنخ شناسی داعش، مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۱۵(۵۸)، ۱۲۰-۹۳.
- علویان، مرتضی؛ محمدی راد، مهدی (۱۳۹۹). بررسی ابعاد امنیت ملی در الگوی نظری عقلانیت اسلامی، سیاست متعالیه، ۸(۲۹)، ۱۶۶-۱۴۷.
- کردی کلا، مهدی؛ حیدرپور، ماشاله؛ جاودانی مقدم، مهدی (۱۴۰۰). ارزیابی پیامدهای سیاست تمرکززدایی آمریکا از غرب آسیا و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، سیاست متعالیه، ۹(۳۲)، ۲۸۷-۳۰۸.
- محمودی، ابوالقاسم؛ افضلی، رسول؛ ذکی، یاشار (۱۴۰۰). بررسی الزامات سیاست گذاری قومی و تاثیر آن در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، سیاست متعالیه، ۹(۳۴)، ۲۳۰-۲۱۱.
- معصومی، مجید؛ قاسمی حیدری، مصطفی؛ اژدری، مهناز (۱۳۹۹). استقلال خواهی کردها و راهبرد اسرائیل و آمریکا در تضعیف تمامیت ارضی ایران، مطالعات بین الملل، ۱(۶۵)، ۱۱۵-۸۷.
- ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۴). مبانی و اصول سیاست گذاری عمومی، چاپ اول، تهران: سمت.

Buzan, Barry.OleWæver, and Jaap de Wilde. 1998. *Security: A New Framework for Analysis*. Boulder, Co: Lynner, 1.